

باسم محبوب عالمان

یوم یوم الله است و کلّ ما سواه بر هستی و عظمت و اقتدار او گواه بعضی شناخته و گواهی داده و برخی گواهی میدهند و لکن او را نشناخته‌اند شکّی نبوده و نیست که کلّ در حقیقت اوّلّیه لعرفان الله خلق شده‌اند من فاز بهذا المقام قد فاز بكلّ الخیر و این مقام بسیار عظیم است بشأنی که اگر عظمت آن بتمامه ذکر شود اقلام امکانیه و اوراق ابداعیه کفایت نمایند و ذکر این مقام را بانتهای نرساند طوبی از برای نفسی که در یوم الله بعرفان مظهر امر و مطلع آیات و مشرق ظهورات الطافش فائز شد او است از مقدّسین و مقربین و مخلصین اگرچه این مقام در خود او بشأنی مستور باشد که خود او هم ملتفت نباشد و لکن ظهور آن را وقتی مقرر است مشاهده نما چه بسیار از ناسکین که از ربّ العالمین محروم مانده‌اند و چه بسیار از تارکین که باین فیض عظیم فائز گشته‌اند چنانچه در اعصار قبل شنیده‌اید مثلاً تمار بقاء مختار فائز شد و عالم که خود را از اختیار و احبار میدانست محروم ماند قدری تفکّر در کلمات منزل آیات نمائید تا از ریح صافی که در آن مکنون است بیاشامید چه بسیار از عصاة که اریاح رحمت رحمن مرور نمود و ایشان را طاهر و مقدّس فرمود و چه مقدار از عاملین و آملین که بهوهای نفسیه تمسک جستند و از شطر احدیه ممنوع و محروم ماندند امر در قبضه قدرت سلطان مقتدر است نسأل الله ان یوفّق کلّ علی ما یحبّ و یرضی مشاهده در علمای فرقه شیعه نمائید که خود را اعلی و اعظم و اجلّ و اکمل از سایر امم میشمردند و بعد از هبوب اریاح امتحان و ظهور جمال رحمن بهوی از مکنن قرب و لقا بعید ماندند و از کوثر ظهور و وصال نیاشامیدند خود را بهترین خلق میشمردند و پست‌ترین آن نزد حقّ مذکور و معذلک شاعر نشده و نیستند نیکو است حال کسی که از اراده و رضا و مشیّت خود بکلمه الهیه طاهر شد و باراده مراد عالمان پیوست او است از جواهر خلق نزد حقّ متعال

ای مقبل الی الله بعضی از عباد عبده هوی بوده و هستند و بعضی عبده اقوال چنانچه مشاهده شد که چه مقدار از کتب در اثبات حقّ نوشتند و لیالی و ایام بذکر او مشغول بودند معذلک حرفی از بیانات حقّ را ادراک ننمودند و بغرفهائی از بحر علم رحمن فائز نشدند قدر این ایام را بدان لعمری ما رأّت عین الابداع شبهها و حقّ را مقدّس از کلّ مشاهده کن او است مجلّی بر کلّ و مقدّس از کلّ اصل معنی توحید این است که حقّ وحده را مهیمن بر کلّ و مجلّی بر مرایای موجودات مشاهده نمائید کلّ را قائم باو و مستمدّ از او دانید این است معنی توحید و مقصود از آن بعضی از متوهّمین باوهم خود جمیع اشیاء را شریک حقّ نموده‌اند و معذلک خود را اهل توحید شمرده‌اند لا ونفسه الحقّ آن نفوس اهل تقلید و تقیید و تحدید بوده و خواهند بود توحید آن است که یک را یک دانند و مقدّس از اعداد شمرند نه آنکه دو را یک دانند و جوهر توحید آنکه مطلع ظهور حقّ را با غیب منبع لایدرک یک دانی باین معنی که افعال و اعمال و اوامر و نواهی او را از او دانی من غیر فصل و وصل و ذکر و اشاره اینست منتها مقامات مراتب توحید طوبی لمن فاز به و کان من الرّاسخین در این مقامات بیانات لاتحصی از قلم اعلی جاری و نازل باید انشاءالله در صدد آن باشید که بیانات عربیه و فارسیه که در این ظهور احدیه از مطلع آیات الهیه نازل شده بقدر قوه جمع نمائید و مشاهده کنید لعمری یفتح من کلّ کلمه علی قلبک باب العلم و الحکمة ان ربّک لهو العلیم الحکیم لذا در این لوح مختصر نازل شده هذا من فضله علیک اشکر ربّک فی ایامک بهذا الفضل المنیع نفوسی که از این کأس آشامیده‌اند و باین مقام اعلی و رفرف اسنی فائز گشته‌اند کلمات ناس در ایشان تأثیر نماید و اشارات نفسانیه آن نفوس را از شاطی بحر احدیه منع نکند و اینکه بعضی از افتنانات و امتحانات لغزیده و میلغزند آن نفوس فی الحقیقه باین مقام فائز نشده‌اند مثلاً اگر شخصی ندای ورقا را فی الحقیقه استماع نماید البتّه بنعیق حیوانات از او ممنوع نشود

در این مقام کلمه‌ئی از مصدر فضل و مطلع رحمت کبری بر تو القا مینمائیم تا از اعراض و اغماض عباد و من فی البلاد و امتحانات قضائیه و افتنانات محدثه از صراط احدیه بازمانی و بدوام ملک و ملکوت بر امر و حبّ مالک جبروت ثابت

و مستقیم مانی و آن کلمه کلمه‌ایست که لم یزل و لایزال در کتب الهیه ظاهراً و باطناً بوده و آن این است که میفرماید یفعل الله ما يشاء و يحکم ما یرید اگر نفسی عرفان حقّ فائز شد و او را یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید فی الحقیقه دانست دیگر از هیچ فتنه ممنوع نشود و از هیچ حادثه مضطرب نگردد او است شارب کأس اطمینان و او است فائز بمقام ایقان طوبی لمن شرب و فاز و ویل للمبعدین

قدری تفکّر نما تا از زلال سلسال بیان مالک مبدأ و معاد بیاشامی و چون طیر روحانی خفیف شوی و بهوهای قدس معنوی پرواز کنی و اگر نفسی باین مقام فائز نشود از اهل حقّ محسوب نبوده و نخواهد بود و فوز باین مقام بعنایت حقّ سهل و آسان بوده معذلک اکثری فائز نشده‌اند الاّ من شاء ربّک المقتدر القدیر چنانچه مشاهده شد بعضی از نفوس ادّعی عرفان نموده‌اند و در ظاهر بایام الله و عرفان آن فائز و معذلک بامری از امور بأسفل السّافلین راجع شده‌اند لعمری من سمع ندائی و وجد منه حلاوة یبانی لن تمنعه سطوة الملوک و لا اشارات من علی الأرض و لا حجبات العالمین فضل را مشاهده کن بمقامی رسیده که تو در محلّ خود ساکنی و حقّ در سجن اعظم مع بلایای لاتحصی بذکر تو مشغول تا از عنایاتش محروم نمایی و از الطافش ممنوع نشوی و بعد از عرفان حقّ اعظم امور استقامت بر امر او است تمسّک بها و کن من الرّاسخین هیچ عملی اعظم از این نبوده و نیست او است سلطان اعمال وربّک العلیّ العظیم و آنچه از اعمال خواسته بودید در مثل این الواح ذکر آن جایز نه لأجل ضعف عباد ولکن اعمال و افعال حقّ مشهود و ظاهر چنانچه در جمیع کتب سماویّه نازل و مسطور است مثل امانت و راستی و پاکی قلب در ذکر حقّ و بردباری و رضای بما قضی الله له و القناعة بما قدّر له و الصّبر فی البلیا بل الشّکر فیها و التّوکل علیه فی کلّ الأحوال این امور از اعظم اعمال و اسبق آن عند حقّ مذکور و دیگر مابقی احکام فروعیه در ظلّ آنچه مذکور شد بوده و خواهد بود انشاءالله بآن جناب میرسد و بما نزل فی الألواح عامل خواهند شد حال زیاده بر این ذکر آن جایز نه و آنچه از احکام از موثّقین شنیده‌اید و یا در الواح الهیه مشاهده نموده‌اید عامل گردید تا بمابقی آن فائز شوید باری روح قلب معرفه الله است و زینت او اقرار به أنّه یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و ثوب آن تقوی الله و کمال آن استقامت کذلک یمین الله لمن اراده أنّه یحبّ من توجّه الیه لا اله الاّ هو الغفور الکریم الحمد لله ربّ العالمین

جناب اخوی علیه بهاء الله را تکبیر منیع از قبل مظلوم برسانید قل نعیماً لک بما اقبلت الی قبله العالمین قد قدّر لکم اجر من فاز بلقائه و حضر لدی عرشه العظیم در اینصورت رجوع بوطن احسن است که شاید از رجوع شما نفحات حیّیه بر بعضی مرور نماید و انشاءالله بتأییدات حقّ بتبلیغ امرش مؤیّد خواهند شد قلب که بیحر اعظم متّصل شد البتّه از او انهار جاریه بظهور خواهد رسید نظر باضطراب این ارض و شقاوت و غفلت اهل آن بر حسب ظاهر اذن ورود ندادیم ولکن قد کتبنا لکم اجر الواردين قل الحمد لله ربّ العالمین